

دو صفحه فرمایشی از سخنان شاه زینت بخش مقاله بود و جدول‌های آماری پیشرفت‌ها و دستاوردهای درخشان اصلاحات ارضی را به نمایش می‌گذاشت. جداولی که در واقع چیزی را جز بالا رفتن تولید ناخالص ملی به دلیل بالا رفتن قیمت نفت نشان نمی‌داد.

امروز، یعنی دو دهه بعد نیز میلانی در حین تفکر و تأمل پیرامون مسئولیت هویدا کاملاً آشکار می‌کند که هنوز قادر به پذیرش سهم روشنفکری خود در تثبیت رباکاری نظام سلطنتی نیست. اگر این کتاب، نوعی انتقاد از خود «به واسطه» هویدا باشد، میلانی هنوز چندین و چند زندگینامه دیگر باید بنویسد تا به هدفش برسد.

فرار در مقابل مسئولیت فردی بهترین محک برای شناسایی کسانی است که از نزدیک با نظام سلطنتی هم‌نشین بودند. قاعده چنین است که این افراد در توضیح علل فروپاشی رژیم که همگی در تداوم آن نقش داشتند خیلی راحت به انتقاد از یکدیگر و مقصر شناختن دیگران، جناح رقیب‌شان در سلسله مراتب قدرت، هویدا، شاه، خانواده سلطنتی و البته نیروهای بیگانه می‌پردازند. اما تقریباً هیچکدام‌شان جسارت روشنفکری و اخلاقی نقدی جدی از خود و از نقشی که در این سیستم عمیقاً فاسد ایفا کردند به میان نمی‌آوردند.

در اواخر دهه ۱۳۵۰ هویدا دیگر خسته و از پا افتاده بود. روز را با تزریق والیوم شروع می‌کرد و با جرت زدن در مهمانی‌هایی که بعد از جدایی‌اش از همسرش تنها به آنها می‌رفت، به پایان می‌رساند. شاه آماده جایگزین کردن او بود و هویدا استعفايش را در مرداد ۱۳۵۶ تقدیم وی کرد. شاه او را به وزارت دربار منصوب کرد. بستی که تا آن روز در اختیار علم - رقیب جدی هویدا - که به خاطر سرطان در بستر مرگ به سر می‌برد، بود. سرنوشت علم «می‌بایست زنگ خطری برای هویدا به شمار می‌رفت» علم که خدمتگزار دلسوز شاه و به احتمال قوی نزدیک‌ترین دوست شاه بود با یک تلفن از مقام وزارت دربار خلع شد.<sup>۷۴</sup>

هویدا باید منتظر نوبت قربانی شدن خود، زمانی که انقلاب در افق دیده شد، می‌ماند. تحلیل میلانی از انقلاب بی‌محتوا است و در مرز نظریه توطئه قرار دارد. حق با اوست وقتی می‌گوید که انقلاب اجتناب‌ناپذیر نبود، اگر کسانی که در حکومت بودند، راه دیگری برمی‌گزیدند. اما تأکید وی بیشتر بر خطاهای مقطعی است، مانند حمله به آیت‌الله خمینی در مطبوعات که به مدد روحانیون آمد تا رهبری مخالفت‌ها و اعتراضات خیابانی را به دست آورند. اما در عین حال به محض این که مطبوعات تجربه آزادی نسبی خود را آغاز کردند «جملگی مسایل اجتماعی، از سانسور مطبوعات و انتخاب فرمایشی گرفته تا دشواری‌های اقتصادی و فساد مالی در ادارات دولتی، هدیه حساب هویدا گذاشته می‌شود.»<sup>۷۵</sup> اکثر این انتقادات به جا بود برای اینکه قانوناً هویدا مسئول تمام سیاست‌های